پیکره
دوره ۱۴، شماره ۴۰، تابستان۱۴۰۴ صفحه ۹۱تا۱۱۰

مقاله پژوهشی

مقایسهٔ تطبیقی سنگ‌مزارهای قلعه‌شاداب دزفول و شهسوار ایذه از منظر بوم‌شناسی فرهنگی

منصور کلاه‌کج[۱]

۱. دانشیار گروه گرافیک، دانشکده هنر، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
Email: m.kolahkaj@scu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳،۹،۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴،۲،۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴،۳،۸

چکیده

مقدمه: در محدودهٔ استان خوزستان در میان کوه‌های زاگرس در دو منطقه مختلف با فاصله حدود ۲۵۰ کیلومتری از یکدیگر، دو مزارستان از مردمی از ایل بختیاری، علی‌رغم وجود بن‌مایه‌های فرهنگی مشترک، ساختار شکلی مزارها و عناصر بصری نمادین آن‌ها تفاوت‌های آشکاری با یکدیگر دارند. این مزارستان‌ها یکی «شهسوار ایذه» و دیگری «قلعهٔ شاداب» دزفول است که مشابهت‌های آن‌ها، بیشتر متأثر از از فرهنگ مناطق همجوار به آن‌هاست. هدف این پژوهش، شناخت بن‌مایه‌های فرهنگی این دو مزارستان و چیستی و چگونگی شباهت‌ها وتفاوت‌ها آن‌ها و پرسش پژوهش حاضر، چیستی و چرائی این تفاوت‌ها و تشابهات و چگونگی بروز این‌بن‌مایه‌ها از منظر انسان‌شناسی فرهنگی، با اتکاء به نظریهٔ بوم‌شناسی فرهنگی استیوارد است.

روش پژوهش: این پژوهش رویکرد کیفی دارد و به شیوهٔ تطبیقی با بهره‌گیری از دانش نشانه‌شناسی و با اتکاء به شواهد بصری و داده‌های برآمده از منابع میدانی و پایگاه‌های آن توصیف و تحلیل و تفسیر و نتایج آن ارائه می‌شود.

یافته‌ها: مزارستان شهسوار، بازتاب پاسداشت بزرگان و خیرخواهان، سفره‌داران، جنگاوران، شجاعان با عناصر محیطی یادمانی در قالب سنگ‌مزار است؛ در حالی که در مزارستان قلعهٔ شاداب این عناصر تا حدودی آیینی و مرتبط با خود سوگ یا بازنمایی فضائل دورهٔ زیست متوفی در قالب عناصر روایی بصری منسجم‌تری است.

نتیجه‌گیری: براساس آنچه از نظریهٔ استیوارد دریافت شد، تأثیر مفاهیم سه‌گانهٔ نظریهٔ بوم‌گرایی استیوارد، یعنی انطباق، علیت دو طرفه و نیز هسته‌های تغییرپذیر فرهنگ در آیین‌های مرتبط با سوگ این دو مکان رؤیت شد و عناصر فرهنگی محیطی تبلور بیشتر و آشکارتری در عناصر نمادین هر دو منطقه داشته و همین موضوع موجب تمایز آشکار عناصر بصری و نمادین این دو منطقه شده و معناهایی را بازتولید کرده که در مزارستان شهسوار، که زیستن در دشتی پر آشوب بود، کلان روایت شجاعت با ترکیبی از پاسداشت بزرگان در قالب عنصر یادمانی شیرسنگی برجسته باشد و در مزارات قلعه شاداب در پناه دژی مسستحکم و سر به آسمان زندگی و عناصر آن پررنگ به‌نظر آید.

کلیدواژه

سنگ قبر، مزار، شیرسنگی، قلعهٔشاداب دزفول، شهسوار ایذه، خوزستان

ارجاع به این مقاله: کلاه‌کج، منصور. (۱۴۰۴). مقایسهٔ تطبیقی سنگ‌مزارهای قلعه‌شاداب دزفول و شهسوار ایذه از منظر بوم‌شناسی فرهنگی. پیکره، ۱۴(۴۰)، ۹۱-۱۱۰.

DOI: https://doi.org/10.22055/pyk.2025.20052

©2025 by the Authours.This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license)
https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0

مقدمه و بیان مسئله

یکی از انواع سنگ‌نگاره‌ها، سنگ‌مزارها هستند، این آثار، نمایانگر عقاید و افکار مردم در رابطه با موضوع مرگ و جهان پس از آنند که به مثابه‌های تابلوهای امروزی، ضمن معرفی متوفی، بیانگر احساسات بازماندگان نسبت به وی هستند. سنگ‌مزارها علاوه بر تعیین هویت فرد، در بر دارندۀ نمادهای مرتبط با صفات، پیشه، جنسیت، جایگاه اجتماعی، علایق فرد و تمایلات قلبی بازماندگان نسبت به درگذشته هستند. مصادیقی از آنچه توصیف شد در دو مزارستان از مزارستان‌های منطقۀ زاگرس میانی در محدودۀ استان خوزستان بازنمایی شده است. شهسوار ایذه با قدمتی حدود ۴۰۰ سال یکی از این مزارستان‌هاست که در آن یادمان‌ها و عناصر نمادین ایلی، جلوه‌گری کرده است. دیگر مزارستان مزارستان پاقلعه، قلعه شاداب در روستای اسلام آباد بخش شهیون دزفول است که قدمتی افزون بر صد سال دارد. هر دو مزارستان متعلق به مردمی از ایل بختیاری با پشتوانۀ قومی و فرهنگی مشترک هستند که در دو مکان متفاوت و با فاصله‌ای حدود ۲۵۰ کیلومتر از یکدیگر واقع شده‌اند. بافت کوهستانی، فرهنگ ایلی و اقلیمی وضعیت آب و هوایی مشترک از جمله عناصر مشابه هر دو منطقۀ مورد مطالعه است. این دو مزارستان علی‌رغم تشابه به‌واسطۀ مفاهیم فرهنگی مشترک قومی و تمایزهای آشکار به‌واسطۀ فرهنگ و مناسبات مکان محل استقرار، هر کدام دارای تشابهات قابل اعتنایی به مکان‌های ارتباطی نزدیک به‌خود هستند که با نظریه بوم شناسی استیوارد هم‌راستا است. در پژوهش حاضر که به مطالعۀ عناصری بصری و نمادین دو مزارستان با بن‌مایۀ مشترک ایلی با تفاوت‌های آشکار پرداخته می‌شود، علاوه بر توصیف و تحلیل عناصر بصری این دو مکان، به پرسش‌هایی از جنس چیستی و چرائی این تفاوت و چگونگی بروز آن‌ها از منظر انسان‌شناسی فرهنگی بر اساس نظریۀ بوم‌شناسی فرهنگی استیوارد، با تطبیق نقوش این دو مزارستان پاسخ داده می‌شود.

روش پژوهش

رویکرد این پژوهش کیفی است که با بررسی و تطبیق نقوش و عناصر نمادین مزارهای دو منطقۀ شهسوار ایذه و قلعه شاداب دزفول و تحلیل آن‌ها نتایج آن ارائه می‌شود. این تحلیل با ترکیبی از دانش نشانه‌شناسی و به‌شیوۀ تطبیقی انجام شده است؛ بدین منظور در این مناطق نزدیک به ۱۰۰ تصویر از مزارهای سنگی محوطه‌های مورد مطالعه برداشت شد. در این فرآیند تصاویر هر مزارستان دسته‌بندی و از نظر ساختاری مقایسه و عناصر حک شده بر آن‌ها بررسی و تحلیل شد. داده‌های این پژوهش ترکیبی از داده‌های میدانی و پایگاه‌های اطلاعاتی و کتابخانه‌ای است. و نتیجه نهایی از منظر انسان‌شناسی فرهنگی و مشخصاً براساس نظریه بوم شناسی فرهنگی استیوارد ارائه می‌شود.

پیشینه پژوهش

مقالات و پایان نامه‌های متعددی با موضوع مزارستان‌های ایران وجود دارد که هرکدام به منطقه‌ای خاص از این موضوع پرداخته‌اند که در این مقاله تنها به پژوهش‌های مرتبط با موضوع اشاره می‌شود. «کلاه‌کج و نادری» (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل معنایی و ساختاری سنگ‌های مزاری مزارستان دوران اسلامی «شهسوار ایذه» این سنگ‌مزارها بررسی و دسته بندی کرده ومعناهای برآمده از آن‌ها را مبین بزرگداشت بزرگان و شجاعان مانند آن است را از درون آن خوانش کرده‌اند. «موسوی حاجی و همکاران» (۱۴۰۲) در پژوهشی به‌نام «شیرسنگی کنگره‌دار؛ گونه‌ای از سنگ‌مزارهای گورستان اسلامی شهسوار ایذه» گفته‌اند: نصب شیر سنگی موجبات فخر و

تفوق طایفه بر طوایف دیگر بود و اگر طایفه یا قبیله‌ای به ناحق و بدون برخورداری از شرایط لازم نسبت به نصب شیرسنگی بر مزار افراد متوفی خود اقدام می‌کرد، بلافاصله با عکس‌العمل تند بزرگان ایل بختیاری مواجه و مزار مذکور تخریب می‌شد. این پژوهش متمرکز بر شیرسنگی مزارستان شهسوار بوده است. «کاظمی» (۱۳۹۵)، در پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد خود با نام «بررسی بینامتنی نقوش سنگ‌مزارهای بختیاری»، تلاش کرده تا با تمرکز بر شیرهای سنگی و نقوش سنگ‌مزارهای حجاری شده مزارستان قلعه‌شاداب دزفول، به بررسی پیوندهای بینامتنی نقوش سنگ‌مزارها با بیش متن‌ها بپردازد. «ابراهیمی ناغانی و خارا هفشجانی» (۱۴۰۲) در پژوهشی به‌نام «طرح و نقش سنگ قبرهای گورستان بُزلَر هفشجان و قبرستان ارامنه‌ی سیرَک با رویکرد تطبیقی- تحلیلی (با تأکید بر طرح و نقوش گیاهی و حیوانی)» گفته‌اند، در فرهنگ تصویری سنگ قبرهای «بزلر» و «سیرک» در یک منطقه واحد با دو مذهب متفاوت مردمش، کارکرد هنر و زیبایی بر تعصبات خاص مذهبی هر چند که اثر محرز دارد، تفوق تام می‌یابد. «عشایری و همکاران» (۱۴۰۰) در مقالهٔ «پژوهشی بر شناخت گونه‌ها و نشانه‌های تصویری سنگ قبرهای گورستان‌های تاریخی روستای سمغان (استان فارس)» گفته‌اند، که نشانه‌های تصویری این مزارستان ریشه در آداب آیین‌های کهن، سنت‌های دینی و به‌طور ویژه سنن دین اسلام، شهرت (خصوصیات اخلاقی مثبت) متوفی، مفاهیم کیهانی، مفاهیم طبیعت و زندگی پس از مرگ دارند و تبلوری از مسائل عقیدتی، فرهنگی و مذهبی حاکم بر زمان خود هستند. ساناز صادقی (۱۴۰۲) در پایان‌نامه‌ای به نام«مقایسه تطبیقی سنگ‌نگاره‌های مزارستانی منطقه سوسن و شهسوار ایذه و منطقه قلعه شداب در دزفول بر اساس آراء فلدمن» معنایی و نمادین آن‌ها را در چهار سطح کلی تحلیل کرده است. «محرابی هفشجانی» (۱۳۹۵) در مقالهٔ «پژوهشی در نقوش آیینی سنگ قبرهای هفشجان در استان چهار محال بختیاری ایران» به سابقه و تاریخچهٔ این سنگ قبرها، شیرهای سنگی و نیز ارتباط برخی از عناصر این مزارستان با مزارستان‌های ارمنی ایرانی پرداخته است. وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های پیشین به‌خصوص پژوهش نادری و کلاه‌کج و کاظمی که هر دو این حوزهٔ پژوهش را به‌صورت مستقل بررسی کرده‌اند، بیان وجوه تشابه و تمایز عناصر نمادین و معناهای مرتبط دو منطقهٔ جغرافیایی با فرهنگ مشترک است. اما نتایج این مقاله با پایان‌نامه صادقی که به راهنمایی نگارنده بوده همپوشانی دارد در این مقاله بیان شده که عامل مکان یا جغرافیا و عناصر مترتب آن چگونه می‌تواند فرهنگ، ارتباط، مواد و مصالح وآیین فرهنگی فرد یا جامعه ایلی را تحت تأثیر قرار دهد. از سویی دیگر بررسی دو موضوع مورد مطالعه بر اساس مفاهیم نظری انسان‌شناسی فرهنگی فراتر از تحلیل ساختاری و معناهای اولیهٔ نقوش یا روایت‌ها، وجهی نو از مفاهیم معنایی مرتبط با سوگ انسان را بر ما آشکار کرده است.

مبانی نظری

این پژوهش بر مبنای نظریهٔ بوم‌شناسی فرهنگی نوشته شده است؛ نظریه‌ای که به‌طور خاص جایگاه مکان در آن برجسته است. بوم‌شناسی فرهنگی را نخست «جولیان هاینز استیوارد[1]» نظریه‌پرداز آمریکایی در سال‌های نخست دههٔ ۵۰ میلادی در کتاب خود «نظریه تغییر فرهنگی» مطرح کرده است. مغز اصلی نظریهٔ استیوارد، بدین شرح است: «محیط‌های مشابه و یکسان، جوامع و فرهنگ‌هایی یکسان یا شبیه به‌هم را به‌وجود می‌آورند» (استیوارد به نقل از فکوهی، ۱۳۸۶، ۲۱۸). از نظر «استیوارد» زیستگاه‌ها همچون متغیرهای مستقلی هستند که بر شکل‌گیری ویژگی‌های فرهنگی همسان، شیوهٔ زندگی و نظام اجتماعی مشترک تأثیرگذارند. از نگاه وی نظریهٔ بوم‌شناسی فرهنگی فراتر از تأثیر زیستگاه‌ها بر زندگی انسان است. در این نظریه سه سطح انطباق، علیت دوطرفه و هستهٔ

فرهنگ مهم دانسته شده‌اند. انطباق در این بستر به‌معنی تبعیت مطلق فرهنگ از مکان نیست؛ بلکه این موقعیت به‌عنوان نیروئی است که زندگی انسان را ارتقا می‌دهد. همچنین موضوع علیت دوطرفه، در نظریهٔ بوم‌شناسی فرهنگی استیوارد به رابطهٔ فرهنگ و محیط به‌عنوان یک رابطهٔ دوطرفه یا به‌عبارتی بر هم‌کنش محیط و انسان ارجاع دارد و در آخر هم بخش‌هایی از هستهٔ فرهنگ استعداد بیشتری برای تأثیرپذیری از محیط دارند.

مزارستان شهسوار

مزارستان و زیارتگاه شهسوار در روستای کهباد ۱ ایذه و در هشت کیلومتری این شهر است. این مزارستان از پر تعدادترین مزارهای دارای شیرهای سنگی مناطق بختیاری‌نشین است (کلاه‌کج و نادری، ۱۴۰۲).



تصویر ۱. نمای کلی مزارستان شهسوار در شهرستان ایذه و آرایش شیرهای آن در فضای باز. منبع: صادقی، ۱۴۰۲.

مزارستان شهسوار، اشکال و اندازه‌های متفاوتی دارند (تصویر ۱). با نگاهی جزئی‌تر به این مزارستان به ۵ نمونه مزار، شامل مزارهای شیر سنگی ساده، (تصویر ۲)، شیر سنگی تلفیقی با سنگ خوابیده تاجدار (کنگره دار) (تصویر ۳)، سنگ‌های مزارهای سنگ‌مزار دو طرفه ایستاده (تصویر۴) و خوابیده تاجدار (تصویر پیش روی ۷و ۸) و مزارهای ساده وجود دارد[۲].



تصویر ۲. مجسمهٔ شیر سنگی در مزارستان شهسوار ایذه. منبع: صادقی، ۱۴۰۲.



تصویر ۳. مجسمهٔ شیر سنگی (تلفیقی با سنگ خوابیده تاجدار) در مزارستان شهسوار ایذه در پشت پای شیر و نیز بر تاج جلوی روی شیر تصاویر نمادین دیده می‌شود. منبع: صادقی، ۱۴۰۲.

۱. سنگ مزارهای یادمانی سنگی شهسوار: شیرسنگی مزارستان شهسوار، عموماً دارای سری گرد، یال گردن و حالتی بدوی و اغلب با آرایشی دفاعی و تهاجمی هستند (کلاه‌کج و نادری، ۱۴۰۲). عناصر نمادین شیرهای سنگی شهسوار در پهلوی آن‌ها نقش بسته است. ویژگی خاص این کنده‌کاری عناصر و آلات مربوط به جنگ و نبرد در پهلوی آن‌هاست (تصاویر ۲ و ۳). همانگونه که در تصویر ۳ دیده می‌شود، شیرسنگی این تصویر در نوع

خود خاص و ترکیب شده با سنگ‌مزار خوابیده تاجدار است که از آن به‌نام شیر سنگی کنگره‌دار یاد کرده‌اند (موسوی حاجی و همکاران، ۱۴۰۲).

۲. سنگ‌مزارهای ایستاده (نشانده شده مزارستان شهسوار): شکل سنگ‌های ایستادهٔ مزارستان شهسوار متفاوت و در اغلب دو طرف آن‌ها حکاکی شده است. سمت رو به مزار این سنگ‌ها، اغلب، نوشتار مبین هویت متوفی است و سمت پشت آن‌ها اغلب دارای تصویر حکاکی شده و بیشتر نشان‌دهندهٔ شخصیت یا مرام و هویت شغلی، علایق و جنسیت در گذشته، در زمان حیات وی بوده است (کلاه‌کج و نادری، ۱۴۰۲). سنگ مزارهای ایستاده شهسوار متنوع هستند و تعداد ۶ نمونه از آن‌ها با تنوع تاج‌های مختلف شمرده شده است. از لحاظ موضوعی، تصاویر این سنگ‌ها، شامل ۵ دستهٔ تصاویر انسانی، حیوانی، اشیای عبادی، اشیای کار، زندگی روزمره، اشیای شکار و دفاع هستند. بر روی این سنگ‌ها، تصاویری از زن، کودک، بز کوهی، شیر، مهر نماز، گیوه (کفش یا پاپوش) و اشیای کار و زندگی و شکار چون شانه، کرکیت، ابزار نخ‌ریسی (دوک یا پره)، قیچی، آفتابه (آفتابه لگن)، تفنگ، شمشیر، سپر، خنجر، رکاب، تپانچه، باروت‌دان و تبر دیده شده است (کلاه‌کج و نادری، ۱۴۰۲). سنگ‌های مزارهای ایستاده نسبت به شیرهای سنگی و سنگ مزارهای خوابیده از لحاظ نوشتار و تزئینات به‌نظر خام‌دستانه و ابتدائی‌ترند، در این نمونه‌ها مزار اصلی متوفی ساده (بدون سنگ خوابیده) و دور برخی از آن‌ها سنگ‌چین شده است؛ اما نمی‌توان از بیان گرافیکی امروزین سنگ ایستاده تصویر ۴ که پشت و روی یک سنگ هستند، غافل بود. نمونه‌های تصاویر خام‌دستانه سنگ‌مزارهای ایستاده تصاویر (۵ و ۶) هستند که در این نمونه‌ها عناصر نمادین به‌صورت معمولی بر روی سنگ حک شده‌اند.




تصویر ۴. بخش نوشتاری سنگ ایستاده. سمت روبه مزار و سمت پشت، منبع: کلاه‌کج و نادری، ۱۴۰۲.



تصویر ۵. سنگ ایستاده با عناصر مصور منبع: کلاه‌کج و نادری، ۱۴۰۲.



تصویر ۶. سنگ ایستاده با عناصر مصور. منبع: کلاه‌کج و نادری، ۱۴۰۲.

ترکیب نوشتار در نمونه‌های سنگ‌های ایستاده و شیر سنگی فاقد یک‌دستی و متنوع است. همچنین در میان مزارستان شهسوار، تصویری‌ترین آن‌ها، نخست سنگ‌مزارهای ایستاده و سپس شیرهای سنگی هستند.



تصویر ۷. سنگ خوابیده دو تاج که به‌نظر تاج دوم نشان از مزار زن بوده است. منبع: نگارنده.



تصویر ۸. سنگ خوابیده با نقش و آرایه و نوشتار. منبع: کلاه‌کج و نادری، ۱۴۰۲.



تصویر ۹. سنگ خوابیده با نقش و آرایه و نوشتار. منبع: کلاه‌کج و نادری، ۱۴۰۲.



تصویر ۱۰. سنگ خوابیده با نقش و آرایه و نوشتار. منبع: کلاه‌کج و نادری، ۱۴۰۲.

۳. سنگ‌مزارهای خوابیدهٔ یک‌پارچهٔ تاج‌دار (گهواره‌ای): در برخی از نمونه‌های این گونه سنگ‌ها، به‌جز سطح روی تاج برخی از سنگ‌ها، غالب قسمت‌های آن کار شده و مجموعهٔ کاملی، شامل نوشتار تصویر، قاب و حاشیه، در سطوح مختلف با برجستگی‌های خاص است (کلاه‌کج و نادری، ۱۴۰۲). این نوع سنگ‌ها، اغلب، در اندازه، ضخامت و جنسیت متفاوت‌اند و به‌صورت یکپارچه، تاجی در بالای سر دارند. نوع تاج غالب این سنگ‌ها، نیز متنوع است. معمولاً بر سطح فوقانی این تاج‌ها تصویری از مهر و شانه و مانند آن حک شده و از این منظر شبیه سنگ‌مزارهای بزلر هفشجان چهارمحال بختیاری هستند. تصاویر ۷ تا ۱۰ از این نمونه‌اند. برخی از این تاج‌ها، کوتاه و قطور و برخی بلند و نازکتر است. تاج‌های کوتاه که طول و عرضی نزدیک به‌هم دارند، مانند یک اثر حجمی خودنمایی کرده‌اند. برخی دیگر از سنگ‌ها، تاجی بلند دارند. تصویر بزکوهی با شاخ‌های کشیده، مرد شکارچی، آفتابه (لگن)، شانهٔ دوطرفه و یک‌طرفه، کرکیت، شکلی چرخ مانند، ستاره، مهر و تصویری درخت مانند که تاکنون در سنگ‌مزارهای این مزارستان فاقد سابقه بوده، مجموعهٔ تصاویر و عناصر نمادین سنگ‌های خوابیدهٔ این مزارستان‌اند. در مجموع، سنگ‌نگاره‌های خوابیده، به لحاظ روش اجرایی، تزئینات ترکیب‌بندی در این مزارستان تنوع بیشتری دارند و این تنوع در طرح، نقش، تاج و تا حدودی نوشتار آن‌ها دیده شده است. تزیینات سنگ‌های خوابیده در ترکیب با متن و نیز حاشیهٔ آن‌ها دیده شده است. سنگ‌مزارهای خوابیده، نسبت به دو نوع دیگر سنگ‌مزارهای مزارستان شهسوار، از تنوع بیشتری برخوردارند.

عناصرنمادین تصویری مزارستان شهسوار: عناصر نمادین مزارستان شهسوار شامل، نمادهای حیوانی و جانوری، چون اسب، بز؛ نمادهای گیاهی مانند، درختی شبیه نخل؛ نمادهای هندسی مثل، ستاره، دایره‌ای پره‌دار؛ نمادهای انسانی بسان، زن، مرد، کودک؛ نمادهای اشیاء و ابزار (مشاغل) چون: شانه، شانه یک‌طرفه و دوطرفه، دوک (پره نخریسی) کرکیت، آفتابه لگن، قیچی، گیوه (پاپوش، کفش)، قلیان و همچنین نمادهای جنگاوری و شجاعت از جمله، تفنگ، باروت‌دان، تپانچه، سپر، تبر، خنجر، نمادهای عبادی و دینی مانند، مهر، تسبیح، محراب و ۸. نماد شیر سنگی، شیرسنگی تک و تلفیقی با سنگ خوابیده تاجدار است.

مزارستان قلعه‌شاداب (شهیون دزفول)

قلعه موسوم به شاداب بر فراز روستای اسلام‌آباد بخش شهیون دزفول در ۴۲ کیلومتری شمال این شهر در شرق دریاچه سد دز و نزدیک به روستای گردشگری پامنار در بخش شهیون دزفول است. روستای اسلام‌آباد قلعه‌شاداب، دارای دو مزارستان قدیمی با فاصلهٔ کمی از هم است که اولی جدیدتر و دومی که به مزارستان «پا قلعه» مشهور است، که قدیمی‌تر است. موقعیت قلعه‌شاداب در سرحد جغرافیایی زیست ایل بختیاری با دیگر ایلات استان‌های لرستان و ایلام است. این مقاله متمرکز بر مزارستان قدیمی‌تر است و عناصر قابل بحث مهم آن، سنگ‌های ایستاده تصویری هستند که براساس تاریخ ثبت شده بر برخی از مزارها قدمت این مزارستان افزون بر یکصد سال است. این مزارستان در دامنهٔ شیب‌دار قلعه واقع شده و تفاوت اصلی آن با مزارستان شهسوار عدم تنوع مزارهای آن و نیز وجود تصویر در سمت رو به مزار است. سنگ‌های مزارستان قلعه‌شاداب دزفول، شامل دو گونه سنگ‌مزارهای ایستاده و خوابیده هستند که در ادامه به توضیح آن‌ها پرداخته می‌شود (تصاویر ۱۱ و ۱۲).

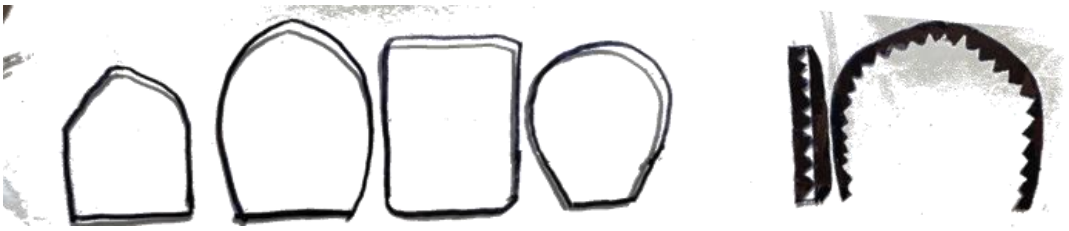


تصویر ۱۱. نمای دو مزارستان قلعه‌شاداب از پایین قلعه. منبع: نگارنده.



تصویر ۱۲. نمای دو مزارستان قلعه‌شاداب از پای قلعه به شیب پایین. منبع: نگارنده.

۱. سنگ‌مزارهای ایستاده (عمودی): سنگ مزارهای ایستاده، مزارستان قلعه‌شاداب اغلب مستطیل شکل با فرمی منحنی در قسمت بالای سنگ است تصویر ۱۳ این مزارستان نیز به مانند مزارستان شهسوار، بازنمایی بخشی مهمی از تاریخ اجتماعی مردم منطقه است. برخی از سنگ‌های بالاسر این مزارستان دو طرفه‌اند که یک طرف آن نوشتار و طرف دیگر آن تصویر است. به لحاظ تصویری این سنگ‌ها در نوع خود منحصربه‌فرد است. در این سنگ‌مزارها تصاویر با تکنیک و شیوهٔ خاص در سمت رو به مزار سنگ است و علی‌رغم نمود سبک بصری یکسان، روایتی متفاوت از زندگی فرد متوفی بر روی آن‌ها به نمایش گذاشته شده است. در تمام این سنگ‌ها که اندازهٔ بیرون از زمین آن‌ها حدود ۵۰ تا ۷۰ سانتیمتر است، حک تصویر با تکنیک و روشی مشخص تداوم داشته است. با توجه به شمار مزارها و جمعیت منطقه، به‌نظر می‌رسد این سنت تصویرسازی افزون بر یکصد سال رواج داشته و به‌وسیلهٔ سنگ‌تراشانی محدود و مشخص، اما مختلفی پیگیری شده است.



تصویر ۱۳. نمونه تزئینات حاشیه و نمونه برخی از تاج‌های مزارستان شهسوار. منبع: نگارنده.

تصویر حک شده بر روی هر کدام از این سنگ‌ها تاحدود زیادی متفاوت و بازنمای دورهٔ حیات متوفی است. دربرخی ازسنگ‌ها، افراد را سوار بر اسب را نشان می‌دهند سوار بر اسب در حال شکار و برخی دیگر در حال انجام مراسم آیینی کتل هستند. آنچه در میانه غالب سنگ‌مزارهای قلعه‌شاداب مشترک است، وجود زنجیره‌های منظم انسانی است که «ماسوری» هم به آن اشاره کرده است (ماسوری، ۱۳۹۶، ۸۵). نکتهٔ جالب توجه این آیین، طراحی متفاوت آن‌ها در سه سنگ مختلف است. جزئیات این تصاویر در مجموعه تصاویر ۱۴ دیده می‌شود. گفتنی است که سنت ساکنین این منطقه از مردم بختیاری، تحت تأثیر فرهنگ ناحیهٔ شمالی‌تر زاگرس میانی و به‌طور خاص مناطقی چون عیلام و لرستان بوده است. طرح کلی برخی از شخصیت‌های انسانی این مزارستان، شبیه برخی از تصاویر انسانی دورهٔ عیلامی و مشابه برخی از ظروف قبل از هزارهٔ چهارم به دست آمده در شوش است. بر روی این سنگ‌مزارها تصاویری از زنان دیده شده است. در تصویر ۱۵ که به‌نظر مزاری متعلق به یک زن است، نمادها همه زنانه هستند؛ حتی نمایشگران آیین سوگ «را را» نیز زنان هستند در این سنگ، تصویر مرکزی دار قالی است. تصاویر حیطه فعالیت زنان، چون بافت فرش و گلیم و تصویر فرآوری تولیدات لبنی چون دوغ (که با تصویر سه پایه مشک نشان داده شده و ماکیان‌داری (تصویر مرغ در بالای این سنگ) برخی از نمادهای حک شده بر این سنگ هستند. به مانند مزارستان شهسوار و برخی از مناطق دیگر، تصویر قلیان یا آفتابه لگن، نماد مردم‌داری بوده است. سبک‌کار هنرمندان حجار این ناحیه، همانند شیوهٔ هزاران سال پیش، سنگ‌نگاره‌های ایرانی انتزاعی و رمزگونه بوده است. در نگاه نخست، برخی از عناصر بصری این سنگ‌ها در مزارهای دیگر مردمان ساکن زاگرس دیده شده و رد برخی این عناصر در دست‌یافته‌های عشایری بختیاری این ناحیه نیز دیده شده است. روی سنگ‌های بالای سر، نقوش مختلف و متفاوتی دیده می‌شود؛ به‌عنوان‌مثال نقش مرد سوار بر اسب شمشیر به‌دست یا به کمر، غالباً نشان دهنده این است که متوفی، جنگاور یا شکارچی بوده است. نقش اسب در این مزارستان، به سه شکل اسب به‌عنوان مرکب شکارچی، اسب در مراسم آیینی کتل و نیز اسب در ترکیب با درخت به‌کار برده شده است. وجود این نشانه در سه کاربرد متفاوت، نشان از اهمیت این نقش در میان مردمان ایل است. نقش بز نیز به سه شکل مختلف و تصویر مراسم «را را» به دو گونه تصاویر زنانه و مردانه دیده شده است. نقش قوچ بزسان با شاخ افقی شاخص آن از نمادهای دیگر این مزارستان است. خوشه‌های گیاهی شبیه گندم در این مزارستان به‌نظر نماد کشاورز بودن متوفی بوده است. نماد آتش در برخی از مزارها احتمالاً نشانه آهنگری توانا یا اجاق روشن به نشانهٔ داشتن فرزند زیاد یا تداوم نسل متوفی است. تصویر ۱۶ مزار دیگری است که مرکز آن تصویری از مردی شکارچی که نام متوفی در بالای آن حک شده و تاریخ آن احتمالا مربوط به حدود سال ۱۳۰۶ ه.ق مصادف با ۱۲۶۷ خورشیدی است. در سنگ‌های ایستاده در مرکز سنگ ویژگی اصلی متوفی و در حاشیهٔ آن دیگر ویژگی‌های وی دیده شده است. تصویر کُتل نیز معمولاً بر روی مزار مردانی که دارای جایگاه اجتماعی بالایی بوده‌اند، حک می‌شد. در نمایش آیین سوگی کُتل در تعدادی از سنگ‌مزارها گاهی یک شخص پیاده میان دو سوارکار افسار دو

اسب را گرفته یا گاهی شخص پیاده افسار اسب یک سوارکار را به‌دست دارد (تصویر ۱۷). در برخی دیگر از سنگ‌ها آیین کُتل در کنار یادمان «مافه» (سنگ‌چین یادمان متوفی) برگزار شده است. این سنگ چین مربع شکل بوده است (تصویر ۱۸). البته نمونه‌های گرد و دایره مانند «مافه» در مزارستان شهسوار دیده شده است. تصویر ۱۹ که به‌نظر مزار زنی است با ترکیبی خلاقانه از نقش تار و پود قالی و نوشتار سامان یافته است. این سنگ یکی از خاص‌ترین سنگ‌مزارهای قلعه‌شاداب است. در بالای تصویر ۲۰، دو بز در حال خوردن گیاهی هستند و در میانه آن، تصویر قلیان، مردی سوارکار و نقشی به نظر شبیه سفره که اسباب میزبانی است دیده شده و در پایین آن به مانند غالب سنگ‌مزارهای این مزارستان آیین «را را» به تصویر کشیده شده است.



تصویر ۱۴. آیین «را را» با تصویری از زن و مرد برگزیده از سه سنگ مختلف مزارستان قلعه‌شاداب. منبع: کاظمی، ۱۳۹۵.



تصویر ۱۵. سنگ ایستاده مزارستان قلعه‌شاداب، با نقش مرکزی دار قالی و بافنده‌های زن. منبع: کاظمی، ۱۳۹۵.



تصویر ۱۶. نمونه‌ای از سنگ ایستاده مزارستان قلعه‌شاداب. منبع: کاظمی، ۱۳۹۵.



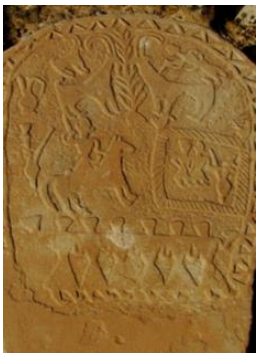
تصویر ۱۷. سنگ ایستاده مزارستان قلعه‌شاداب. منبع: کاظمی، ۱۳۹۵.



تصویر ۱۸. نمونه‌ای از سنگ ایستاده مزارستان قلعه‌شاداب، با تصویری مربع مانند که احتمالاً مافه است و در هنگام آیین کتل دور آن حلقه می‌زنند. منبع: کاظمی، ۱۳۹۵.



تصویر ۱۹. نمونه‌ای از سنگ ایستاده مزارستان قلعه‌شاداب، به‌نظر ترکیبی از نقش قالی و نوشتار. منبع: کاظمی، ۱۳۹۵.



تصویر ۲۰. نمونه‌ای از سنگ ایستاده مزارستان قلعه‌شاداب، با تصویری به‌نظر از سفره. منبع: کاظمی، ۱۳۹۵.





تصویر ۲۱ و ۲۲. نمونه‌ای از سنگ‌های ترکیبی ایستاده و خوابیده مزارستان قلعه‌شاداب. منبع: کاظمی، ۱۳۹۵.

۲. سنگ‌مزارهای خوابیده قلعه‌شاداب (افقی): سنگ مزارهای افقی یا خوابیده در مزارستان قلعه‌شاداب، معمولاً شامل اطلاعاتی از شخص متوفی است. کلمه‌ای چون وفات، سپس نام مرحوم و ولد یا فرزند یا کلمه منطایفه (از طایفه یا وابسته به طایفه) و تاریخ که معمولاً به قمری است، نوشتار این مزارهاست. باقی نوشتارها به تبع شرایط متوفی متغیر بوده است. تصاویر ۲۱ و ۲۲ سه نمونه از سنگ‌مزارهای افقی نوشتاری هستند. این سنگ‌مزارها به‌صورت آزاد بدون ملات بر روی مزار قرار گرفته‌اند. در این منطقه به‌دلیل وجود فرسایش بالا، غالب سنگ‌مزارهای خوابیده تکه تکه، جا به جا شده، یا ناخوانا است و بیشتر سنگ‌مزارهای ایستاده خودنمایی می‌کنند. در مزارستان قلعه‌شاداب سنگ‌مزارهای خوابیده بیشتر نوشتاری و بیان کنندهٔ هویت متوفی است. سنگ‌مزارهای خطی یا نوشتاری، به سنگ‌مزارهایی اطلاق می‌شود که در حجاری آن‌ها تنها نوشته و خطوط حاشیه و جداکننده دیده می‌شود. در این نوع از سنگ‌ها از نوشته‌های ساده و بدون تزئینات استفاده شده است. اغلب این سنگ‌مزارها در قلعه‌شاداب، شامل سه قسمت سرلوح، متن اصلی و حاشیه هستند. در برخی از سنگ‌مزارها خط و نوشتار به‌عنوان اطلاعات تکمیل‌کننده که بیشتر در حاشیهٔ نقوش اصلی دیده می‌شود، وجود دارد.

مقایسه تشابهات و تمایزات دو مزارستان

در ادامه بحث به تشابهات و تمایزات دو مزارستان بر اساس انواع مزارها، تاج‌ها، تزئینات، آرایه‌ها و عناصر نمادین آن‌ها پرداخته می‌شود. همانگونه که گذشت مزارستان شهسوار دارای پنج گونه مزار است؛ در حالی که در مزارستان قلعه‌شاداب با یک گونه مزار و بعضاً با یک یا دو نوع سنگ ایستاده و خوابیده با یکدیگر مواجه هستیم. در جدول ۱، مقایسهٔ ساختار کلی دو مزارستان مورد نظر دیده می‌شود. وجه تفاوت این دو مزارستان در سنگ‌های چهارگانه و تشابه آن‌ها در سنگ‌های ایستاده است.

عناصر نمادین تصویری مزارستان قلعه‌شاداب: تصاویر مزارستان قلعه‌شاداب شامل نمادهای حیوانی و جانوری چون، اسب، بز و جانوری خزنده شبیه مارمولک‌سانان (احتمالاً بز دوش)، ماکیان، پرنده؛ نمادهای گیاهی مانند، درختی شبیه نخل (با شاخه نوک خمیده و ریشه‌ای مربع شکل) و خوشهٔ گندم؛ نمادهای انسانی همچون زن و مرد؛ نمادهای اشیاء و ابزار (مشاغل)از جمله شانه، شانه یک‌طرفه و دوطرفه، احتمالاً اینه یا لیوان وارانه، کرکیت،

آفتابه لگن، قیچی، گیوه (پاپوش، کفش)، قلیان، گهواره بچه، ترازو، (سه پایه مشک (ملار)، دار قالی، آتش؛ نمادهای جنگاوری و شجاعت مثل، تفنگ، نیزه، تپانچه، تبر و سپر و نمادهای عبادی و دینی مانند مهر، تسبیح است.

جدول ۱. مقایسه ساختاری دو مزارستان. منبع: نگارنده.

تشابه و تمایزات	مزارستان قلعه‌شاداب	مزارستان شهسوار
تشابه: تشابه دو مزارستان در سنگ‌های ایستادهٔ تصویری و کتیبه‌دار است که این دو خود نیز تمایزاتی با یکدیگر دارند. **تمایز**: مزارستان شهسوار دارای پنج گونه مزار است که دو نمونه آن در شیرهای سنگی و شامل شیرهای سنگی تک و شیرهای سنگی تلفیقی با سنگ خوابیده (کنگره‌دار) است. همچنین شهسوار دارای مزارهای ایستاده و خوابیده تاجدار و نیز ساده است.		   

۱. مقایسه ساختاری روایی و چینش بصری عناصر نمادین دو مزارستان: ساختار تطبیقی روایی دو مزارستان در جدول ۲ به تصویر کشیده است. در مزارستان شهسوار در برخی از مزارها تنوع و گوناگونی دیده شده، ساختار مجسمه‌های شیر سنگی، ساختار تزئینات سنگ‌های خوابیده و تک تصویر مربوط به محراب و نیز مهر گرافیکی از جمله آن است؛ در حالی که ساختار روایی سنگ‌های ایستاده مزارستان قلعه‌شاداب با عناصر و نمادهایی متنوع و بدوی‌تر مصور شده‌اند؛ اما از ارزش بصری سنگ تلفیقی نقش و نوشتار تصویر ۱۹ مزارستان قلعه‌شاداب، نمی‌توان به‌سادگی گذشت؛ همانطور که در مزارستان شهسوار از گرافیکی و خلاقانه بودن تصویر ۴ نباید غافل شد. سنگ‌ها مزارهای قلعه‌شاداب تصویری‌تر و ساختار روایی مناسب‌تری دارند؛ در حالی که در مزارستان شهسوار عناصر بصری اغلب روی هم چیده شده است و پیوستگی بصری کمتری در تصاویر به‌چشم می‌خورد.

جدول ۲. مقایسه ساختار روایی تصاویر سنگ‌های ایستاده دو مزارستان. منبع: نگارنده.

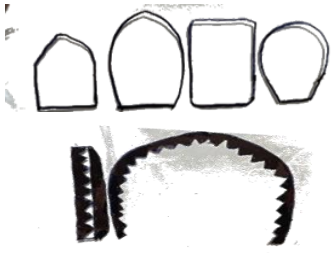
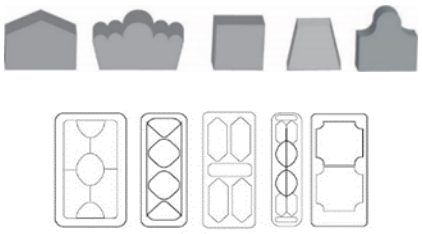
مزارستان قلعه‌شاداب	مزارستان شهسوار
 	 

تشابه: برخی از عناصر مربوط به متوفی چون شانه و قیچی از عناصر مشترک این دو مزارستان‌اند.

تمایز: سیر روایت تصاویر و ترکیب‌بندی در سنگ‌مزارهای شهسوار پراکنده اما در سنگ‌ها مزارهای قلعه‌شاداب به‌هم پیوسته و عناصر نمادین در تمام سطح سنگ پراکنده‌اند.

۲. مقایسهٔ عناصر و تزئینات دو مزارستان: همانگونه که در جدول ۳ دیده می‌شود، در مزارهای شهسوار در سنگ‌های ایستاده و خوابیدهٔ یکپارچه، تنوع شکلی بیشتری دیده می‌شود؛ همچنین تزئینات و آرایه‌های مزارستان شهسوار در سنگ‌های خوابیده، کیفیت اجرایی مناسبی دارد که در مقابل خام‌دستی برخی از سنگ‌های مزارهای ایستادهٔ این مزارستان، این کیفیت برجسته و متمایز است، در مزارستان قلعه‌شاداب ساختار سنگ‌های ایستاده و خوابیده غالباً همسان و در موارد معدودی متنوع است و آرایه‌های سنگ‌مزارهای قلعه‌شاداب در حاشیه سنگ‌های ایستاده با تنوع اجرایی نسبی قابل رؤیت است و تابعی از شکل بصری و هندسی برخی از تصاویر این مجموعه است. در مزارستان قلعه‌شاداب نوع حکاکی و روایت تصویری و نمادین در سنگ های ایستاده وجود دارد که آن‌ها را به مانند عناصری بهم پیوسته و دارای هویت بصری واحد نشان می‌دهد؛ اما در مزارستان شهسوار این وجه در شیرهای سنگی و سپس سنگ‌های خوابیده دیده می‌شود و از این جنبه، به جز حکاکی بر سنگ‌های ایستاده، تشابه چندانی در این دو مزارستان وجود ندارد.

جدول ۳. مقایسه ساختاری شکلی و تزئینات. منبع: نگارنده.

مزارستان قلعه‌شاداب	مزارستان شهسوار
	

تشابه: دو مزارستان در سنگ‌های ایستاده تصویر و کتیبه‌دار مشترکند.

تمایز: تنوع شکلی و نوشتار در مزارستان شهسوار متعدد است؛ اما در مزارستان قلعه‌شاداب غالب سنگ‌ها یکسان است؛ همچنین سنگ‌های ایستاده مزارهای شهسوار از سمت پشت تصویری و از سمت مزار نوشتاری است و سنگ‌های خوابیده تاج‌دار سطح خوابیده دارای نوشتار و سطح ایستاده دارای تصویر است.

۳. مقایسهٔ ساختار خط و نوشتار دو مزارستان: در جدول ۴ ساختار نوشتار دو مزارستان دیده می‌شود. همانگونه که در این جدول دیده می‌شود، نوشتار متن این دو مزارستان از قاعدهٔ مشخصی تبعیت نمی‌کند و به‌نظر از خطوطی هستند که به‌نام خطوط ملامحلی یاد شده است. (هفشجانی، ۱۳۹۵). همچنین علی‌رغم اینکه این خطوط در مزارستان شهسوار در بافت تزئینی استفاده شده، اما در مزارستان قلعه‌شاداب غالباً در طرح‌های ساده به‌کار برده شده است. در برخی از کتیبه‌های ایستاده قلعه‌شاداب نیز نوشتار دیده شده است و میان نوشتار این دو مزارستان به لحاظ خطی تفاوت معناداری دیده نشده است.

جدول ۴. مقایسه نوشتار دو مزارستان. منبع: نگارنده.

مزارستان قلعه‌شاداب	مزارستان شهسوار
 	 

تشابه: نوشتار دو مزارستان از این جنبه که تابع خط خاصی نیستند، همسان هستند؛ همچنین کاربرد افقی و عمودی آن تا حدودی زیادی مشابه است.

تمایز: در مزارستان شهسوار برخی از نوشتار در میان نقش و طرح‌های متفاوت جای گرفته‌اند که در مزارستان قلعه‌شاداب یک نمونه از این موارد یافت شده است.

۴. مقایسهٔ تصویری برخی از عناصر نمادین دو مزارستان: عناصر نمادین دو مزارستان با برش تصاویر در جدول ۵ نشان داده شده و تشابه و تمایز آن‌ها در مقابل هر جدول توصیف و تحلیل شده است.

جدول ۵. مقایسهٔ عناصر نمادین تصویری سنگ‌ها در دو مزارستان. منبع: نگارنده.

نمادهای حیوانی و جانوری	
مزارستان قلعه‌شاداب	مزارستان شهسوار
  	 




تشابه: نقش اسب در هر دو منطقه وجود دارد؛ اما در مزارستان شهسوار اسب بدون سوار دیده شده، در حالی که در مزارستان قلعه‌شاداب با مردی شکارچی و به‌عنوان نقش کتل و در تلفیق با درخت دیده شده است.

تمایز: نقش قوچ، بز و جانوری ناشناخته از دسته خزندگان و نیز پرنده‌ای شبیه مرغ از جمله نمادهایی است و یک پرنده دیگر که در مزارستان قلعه‌شاداب دیده شده است. در مزارستان شهسوار هم نقشی از یک شیر بر مزار خوابیده دیده شده است.

نمادهای گیاهی

مزارستان قلعه‌شاداب	مزارستان شهسوار





تشابه: فاقد تشابه

تمایز: نقش درخت در مزارستان شهسوار به‌عنوان عنصری اصلی و به کرات درسنگ‌ها به چند شکل دیده شده، در حالی که در شهسوار تنها یک تصویر از درخت وجود دارد.

نمادهای هندسی

مزارستان قلعه‌شاداب	مزارستان شهسوار
فاقد تصویر	



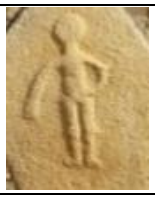

تشابه: فاقد تشابه

تمایز: در منطقهٔ شهسوار نقوش هندسی در قالب ستاره و شکلی چرخ مانند دیده شده، در حالی که در مزارستان قلعه‌شاداب در قالب تزئینات حاشیه با شکل اجرایی متفاوتی دیده شده است.

نمادهای انسانی

مزارستان قلعه‌شاداب	مزارستان شهسوار







تشابه: فاقد تشابه

تمایز: نقش انسانی در منطقه شهسوار به‌صورت فردی و به‌عنوان مزار مرد و مرد شجاع و جنگاور است. لیکن در مزارستان قلعه‌شاداب نقش انسانی به‌صورت شکارچی، شرکت در مراسم (کتل) شرکت گروهی در نماد آیینی«را را» است. در مزارستان شهسوار مرد نماد جنگاوری و شجاعت است که با صلاح سرد و گرم دیده شده، در حالی که در مزارستان قلعه‌شاداب در مراسم آیینی و شکار دیده شده است. در مزارستان شهسوار تصویر زن به‌عنوان نماد مزار زنانه مطرح است؛ در حالی که در مزارستان قلعه‌شاداب، زن خانه‌دار شرکت کننده در مراسم آیینی و در کنار عناصر مرتبط با خانه‌داری به تصویر کشیده شده است.

نمادهای اشیا و ابزار

مزارستان قلعه‌شاداب	مزارستان شهسوار



تشابه: برخی از نمادهای دو مزارستان، مانند شانه، قیچی، (نشان بافندگی) کرکیت (نشان بافندگی) قلیان (نشان مردم‌داری) و آفتابه لگن (نشان مردم‌داری) و گیوهٔ مردانه (کنار مهر نشان عبادت) در دو مزارستان مورد نظر مشابه هستند.

تمایز: در مزارستان قلعه‌شاداب نمادی چون دار قالی، ترازو، (نشان عدالت یا داد و ستد) گهوارهٔ کودک (احتمالاً نشانه متوفی دارای بچه) و سه‌پایه (ملار) مشک (نماد خانه‌داری) متفاوت است که سه نماد از این‌ها زنانه و نماد ترازو احتمالاً مردانه است. همچنین کرکیت در مزارستان قلعه‌شاداب در دست زن بافنده دیده شده و وجود نماد آتش (احتمالاً نماد خاموشی اجاق) یا سوختن و سوگ است؛ همچنین آتش روشن می‌تواند نمادی از مهمان‌نوازی نیز باشد.

نمادهای جنگاروی و شجاعت

مزارستان قلعه‌شاداب	مزارستان شهسوار
	

تشابه: ابزار شکار و کار زندگی چون تبر و تفنگ در هر دو مزارستان دیده شده است.

تمایز: ابزارهای مزارستان شهسوار ترکیبی از سه‌گانه جنگاوری و شجاعت شکارچی و مرد کار است؛ در حالی که نمادهای مزارستان شهسوار شکار و کار است.

نمادهای عبادی و دینی

مزارستان قلعه‌شاداب	مزارستان شهسوار
	 

تشابه: مهر و تسبیح نمادهای عبادی مذهبی هر دو مزارستان است

تمایز: در مزارستان شهسوار ترکیبی از مهر و تسبیح و تصویر سجاده و نیز محراب و گیوه (کفش) ایستاده بر نماز دیده شده است.

بحث پیش از نتیجه‌گیری

دو مزارستان شهسوار ایذه و قلعه‌شاداب دزفول که در زاگرس میانی و در محدودهٔ استان خوزستان قرار دارند، متعلق به مردمانی از ایل بختیاری‌اند. ارتباط مردم بختیاری ایذه به تبع شرایط جغرافیایی با مناطق سردسیر استان چهارمحال بختیاری بوده و ارتباط مناطق بختیاری‌نشین دزفول در همسایگی با استان‌های ایلام، لرستان و سرحدات سردسیری این مناطق بوده است. در واقع قلعه‌شاداب از سمت شمال خوزستان مرز تلفیقی ایل بختیاری با دیگر اقوام است. با توجه به این شرایط ارتباطی، دو مزارستان موضوع بحث، علی‌رغم برخی از تشابهات از جمله عناصر نمادین که بعضاً مشترک با دیگر مناطق کشور است، با یکدیگر تفاوت آشکاری دارند. مزارستان شهسوار که بر فراز کوه مشرف به آن نقش برجسته‌ای عیلامی وجود دارد. برخی از مزارهای نخست در جایگاه

یک اثر حجمی و یادمان محیطی برجسته‌اند و نقش و نوشتار آن در مرتبهٔ دوم قرار دارد؛ در حالی که روایی بودن و نمایش آیینی مزارستان قلعه‌شاداب از آشکارترین وجوه تمایز آن است. مزارستان شهسوار عناصر حجمی و سازه‌ای گوناگونی دارد که به‌نظر مردمی برخوردارتر صاحبان این مزارها بوده‌اند. احتمالاً دلیل آن نزدیکی به شهر ایذه، از مهمترین مناطق بختیاری‌نشین ایران است. این شهر حلقهٔ اتصال بختیاری‌های استان خوزستان، چهارمحال بختیاری، اصفهان و تاحدودی، کهگیلویه و بویراحمد است. همچنین در چند سدهٔ گذشته که حکومت مرکزی صفوی و زندیه نزدیک به این شهر بوده‌اند، ایذه را به‌مانند مرکزی سیاسی، ایلی برجسته کرده بود. درگیرهای قوای دولتی با ایلات و به گواه اسناد تاریخی و درگیری درون‌ایلی این منطقه تا دورهٔ قاجار و کشاکش ایلات و عشایر بر سر قلمرو و مرتع رویدادهای اجتماعی مختلفی را در اطراف این شهر رقم زده است. بدیهی است در چنین بافتی، مقام و مرتبت، بزرگان ایل، سفره‌داران، خیرخواهان، جنگاوران، شجاعان، از خودگذشتگان، میان‌داران، جانفشانان و یلان ایل برجسته و نمایان است. با وجود این چنین در گذشتگانی، و تدفین آن‌ها در مزارستانی به‌مانند شهسوار، این مزارستان را در قیاس با مزارستان قلعه‌شاداب به‌مثابه مزارستان جنگاوران نمایان کرده است. تعدد شیرهای سنگی و تکثر ابزارآلات جنگی برخی از شواهد این مدعایند؛ همچنین به‌گفتهٔ مردمان ایذه، برخی از سنگ‌تراشان هفشجانی که سابقه‌ای هشتصد ساله در این کار داشته‌اند، در این منطقه حضور داشته‌اند. مجموع این چند عامل و اهمیت ایذه و اطراف آن به‌نظر موجب تنوع مزارهای این منطقه شده، به‌گونه‌ای که برخی از سنگ‌ها و از جمله سنگ‌های تاجدار خوابیده و نقش‌های مزارستان ایذه، از جمله نقش چرخ، مشابه مزارستان «بز لر» هفشجان هستند. در سوی دیگر سادگی و یکنواختی شکلی مزارهای مزارستان قلعه‌شاداب، احتمالاً برگرفته از وضعیت استراتژیک قلعه‌ای آن و به‌نظر تحت تأثیر مکان این مزارستان و ارتباط این مردم با مردم استان لرستان و بختیارهای ساکن آن و نیز استان مجاور ایلام و لرستان باشد. بدوی، انتزاعی و بکر بودن تصاویر مزارستان قلعه‌شاداب از ویژگی‌های مهم این مزارستان است . اطلاعات نوشتاری (اطلاعات و هویت شخصی متوفی) در ترکیب با تزئین ویژگی دیگر آن است. نقوش در این منطقه متنوع‌ترند و جزییات به‌مراتب (گیاهی، انسانی، جانوری، نوشتاری) در مزارهای خوابیده گسترده‌تر است. از دیگر تفاوت‌های دو مزارستان تعداد زیاد شیرهای سنگی مزارستان شهسوار است. شیرهای سنگی برای مردان استفاده شده است. عمده‌ترین نقوش برای مردان نقوش در پیوند با مفهوم شکار و جنگاوری و شامل نقش اسب، بزکوهی و حیوانات درنده است. تفاوت خاص مزارستان قلعه‌شاداب وجود نمادهای آیینی و عناصر زندگی، چون، دار قالی، ماکیان داری، آتش، ترازو و دیگر مفاهیم آیینی است. از تشابهات این دو مزارستان قابل فهم بودن جنسیت سنگ‌مزارها از روی تصاویر و عناصر نمادین است. یکی از تشابهات دیگر در هر دو قبرستان (قلعه‌شاداب و شهسوار) در حیطهٔ نقوش نقش (سپر، شمشیر، نیزه و تفنگ، خنجر و تبر برای مردان و قیچی و کرکیت و شانه برای زنان است. از آنجا که موضوع این پژوهش مقایسهٔ تطبیقی مزارهای مردمی از قوم بختیاری با فرهنگ مشترک در دو مکان مختلف در محدوده‌ای مشترک، اما با فاصله‌ای معنادار است، در مزارهای این دو منطقه عناصری متفاوت به‌کار برده شده که بیشتر متأثر از فرهنگ محیطی، مکانی و منطقه‌ای محل سکونت خود هستند؛ از این‌رو براساس گفته‌های استیوارد که محیط‌های مشابه و یکسان جوامع را با فرهنگ یکسان به‌وجود می‌آورند، در مزارستان‌های این دو منطقه با پیشینهٔ قومی یکسان، عناصر نمادین و سبک یادمان‌های مزاری به تبعیت عنصر مکانی و سپس عنصر قومی بوده و تغییرات به‌وجود آمده با سه‌گانهٔ نظریه استیوارد در این مزارستان‌ها، مطابق است. نخست آنکه تشابه مکانی مزارستان قلعه‌شاداب که در سرحدات منطقهٔ بختیاری واقع است عدم انطباق مطلق از فرهنگ مکان‌های همجوار

چون لرستان و ایلام است و نیز تشابه سنگ‌مزارهای ایذه عدم انطباق مطلق با مناطق همجوار چون مناطق چهار محال و بختیاری است. برای مثال وجود مفاهیمی چون کار، تلاش، مردم‌داری در هر دو در مزارستان با شیوهٔ اجرایی متفاوت هر مکان، نشان از عدم تبعیت مطلق از فرهنگ مکانی است که با بحث عدم انطباق استیوارد، هم راستا است. از سویی، عامل علیت دو طرفه یعنی رابطهٔ فرهنگ و محیط، به‌عنوان یک رابطهٔ دوطرفه یا به‌عبارتی بر هم‌کنش محیط و انسان که به‌نظر با توجه به دسترسی‌های ممکن در مزارستان دو مکان امکان پذیرشده است و مثال آن تصاویر روایی مزارستان قلعه‌شاداب، همانند مناطق اطراف و نیز عناصر نمادین و یادمانی شیر سنگی مزارستان شهسوار با توجه به فرهنگ مناطق همجوار است و موافق با بحث علیت دو طرفه استیوارد است. همچنین آنچه از فرهنگ قومی آیین سوگ مردم بختیاری در منطقهٔ قلعه‌شاداب تغییر کرده مواد، مصالح و اشخاص (سنگ‌تراش‌ها) در دسترس آن منطقه بوده است و همین موضوع به‌گونه‌ای دیگر در مزارستان شهسوار رخ نمایی کرده است. برای مثال برخی از سنگ‌مزارهای شهسوار به‌علت عدم دسترسی به سنگ‌تراش حاذق مانند آنچه در هفشجان چهارمحال بختیاری بوده، کیفیت اجرایی مطلوبی نداشته است. این نیز مطابق نظریهٔ استیوارد است، آنجا که گفته است آن بخش از هستهٔ فرهنگ که استعداد بیشتری برای تغییر دارد در مکان جدید تغییر می‌کند. در این وضعیت عناصر صوری فیزیکی قومی بیشتر از مفاهیم معنایی، تغییر کرده است.

نتیجه‌گیری

از مقایسهٔ مزارستان شهسوار در ایذه و قلعه‌شاداب در محدودهٔ دزفول با مردمانی از قوم بختیاری و بن‌مایهٔ فرهنگی مشترک، این نتیجه حاصل شد که علی‌رغم برخی از تشابهات نمادهای دو منطقه، تفاوت آشکاری در ساختار و عناصر نمادین این دو مزارستان وجود دارد. عناصر ساختاری و نمادین این دو مزارستان، شبیه عناصر فرهنگی و محیطی مزار محل استقرار و دیگر مناطق نزدیک به دو مکان است. شهسوار بازتاب پاسداشت بزرگان و خیرخواهان و سفره‌داران، جنگاوران و شجاعان با عناصر محیطی یادمانی در قالب سنگ‌مزار است؛ در حالی که در مزارستان قلعه‌شاداب این عناصر تا حدودی آیینی، مربوط به‌خود سوگ با بازنمایی فضائل دورهٔ حیات متوفی در غالب عناصر روایی بصری منسجم و پیوسته است و تا حدودی مفهوم زندگی و انس با عناصر آن چون آتش و درخت و پرنده و فرزندپروری در آن نمایان است. همانگونه که در متن پژوهش هم اشاره شد؛ در حالی که انتظار می‌رود به‌واسطهٔ ریشه‌های فرهنگی مشترک تشابهات ساختاری، بصری و نمادین این دو مزارستان غالب باشد، محتوای عناصر نمادین مزارستان قلعه‌شاداب دزفول شبیه به مناطق همجوار نزدیک و مرتبط با خود چون ایلام و لرستان است و محتوای تصاویر و نمادهای مزارستان شهسوار ایذه، مشابه به مناطق نزدیک خود چون هفشجان چهار محال بختیاری و مانند آن است؛ در حالی که این دو مردم آبشخور فرهنگی و معناهای تقریباً همسانی دارند، کلان‌روایت مزارستان شهسوار ایذه، شجاعت، جنگاوری و سلحشوری است در حالی که در مزارستان قلعه‌شاداب دزفول این کلان‌روایت زندگی است که با تکنیک و روشی خام‌دستانه با صورتی شبیه تصویرسازی کودکانه پدیدار شده است؛ این نتیجه‌گیری در بافت زمانی و مکانی دو موضوع مورد مطالعه قابل تأمل است. بافت ارتباطی قلعه‌شاداب علی‌رغم نزدیکی به دزفول تا حدود کوهستانی‌تر بوده و در پای قلعه‌ای دژمانند واقع شده است که اهمیت آن در حفظ آن قلعه بوده است؛ در حالی که مزارستان شهسوار به‌علت تردد و سکونتگاه طوایف مختلف ایل بختیاری، تاحدودی مرکزیت ایلی داشته است. یافته‌های این پژوهش با نظریهٔ استیوارد که گفته است فرهنگ محیطی و مکانی در دراز مدت نسبت به فرهنگ مشترک ایلی و قومی تأثیر بیشتری بر زندگی مردم دارد، مطابق است و تأثیر مفاهیم

سه‌گانهٔ نظریهٔ بوم‌گرایی استیوارد، یعنی انطباق، علیت دو طرفه و نیز هسته‌های تغییرپذیر فرهنگ در آیین‌های مرتبط با سوگ این دو مکان رؤیت شد و عناصر فرهنگی محیطی تأثیر آشکار، متفاوت و معنادای در عناصر نمادین هر دو منطقه داشته و همین موضوع موجب تمایز آشکار عناصر بصری و نمادین این دو منطقه مورد مطالعه شده و معناهایی را بازتولید کرده که در مزارستان شهسوار، کلان‌روایت شجاعت و نمایش اقتدار بزرگان ایل برجسته باشد و در مزارات قلعه‌شاداب زندگی و عناصر آن پررنگ به‌نظر آید.

مشارکت‌های نویسنده

این پژوهش فاقد مشارکت است.

تقدیر و تشکر

از خانم‌ها زینب نادری و ساناز صادقی برای پاره‌ای از همکاری‌ها قدردانی می‌شود.

تضاد منافع

نویسنده (نویسندگان) هیچ تضاد منافع احتمالی پیرامون تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله را اعلام نکردند.

منابع مالی

نویسنده (نویسندگان) هیچ گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکردند.

پی‌نوشت

1. Julian Haynes Steward. 1972-1902.

۲. «موسوی حاجی و همکاران» سنگ‌های این مزارستان را با اندکی تفاوتی که در اینجا نام برده شده به ۵ دسته تقسیم کرده‌اند (موسوی‌حاجی و همکاران، ۱۴۰۲)؛ اما کلاه‌کج و نادری در پژوهش خود سه گونه مزار را برای مزارستان شهسوار ذکرکرده‌اند (کلاه‌کج و نادری، ۱۴۰۲) که دلیل آن نیز یک دسته کردن انواع شیرهای سنگی و عدم محاسبه مزارهای ساده بود.

منابع

- ابراهیمی ناغانی، حسین و خارا هفشجانی، راضیه. (۱۴۰۲). پژوهشی در طرح و نقش سنگ قبرهای گورستان بُزلَر هفشجان و قبرستان ارامنه‌ی سیرَک با رویکرد تطبیقی- تحلیلی (با تأکید بر طرح و نقوش گیاهی و حیوانی). *نشریه هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی*، ۲۸(۳)، ۱۳۹-۱۲۷. doi: 10.22059/jfava.2023.350996.667009
- صادقی، ساناز. (۱۴۰۲). مقایسه تطبیقی سنگ‌نگاره‌های مزارستانی منطقه سوسن و شهسوار ایذه و منطقه قلعه شاداب در دزفول بر اساس آراء فلدمن، (پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر) دانشکده هنر، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران.
- عشایری، نادیا و وثیق، بهزاد. (۱۴۰۰). پژوهشی بر شناخت گونه‌ها و نشانه‌های تصویری سنگ قبرهای گورستان‌های تاریخی روستای سمغان (استان فارس). *فصلنامهٔ نگره*، انتشار آنلاین. doi: 10.22070/negareh.2021.14643.2810
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۶). *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*. نی.

- کاظمی، نوشین. (۱۳۹۵). *بررسی بینامتنی نقوش سنگ قبرهای بختیاری* (پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد پژوهش هنر). دانشکدهٔ هنر دانشگاه الزهرا.
- کلاه‌کج، منصور و نادری، زینب. (۱۴۰۲). تحلیل معنایی و ساختاری سنگ‌های مزاری مزارستان دوران اسلامی «شهسوار» ایذه. *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، ۱۳(۳۸)، ۲۰۷- ۲۳۶. doi: 10.22084/nb.2023.24317.2336
- ماسوری، امین. (۱۳۹۶). *کتاب فرهنگ واژه موسیقی لرستان*. سوره مهر.
- محرابی هفشجانی، سجاد. (۱۳۹۵). *پژوهشی پیرامون نقوش آیینی سنگ‌قبرهای هفشجان*، در استان چهار محال و بختیاری. *سومین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی*. برلین، آلمان.
- موسوی حاجی، سید رسول، فیضی، حسین و هاشمی زرج آباد، حسن. (۱۴۰۲). شیرسنگی کنگره‌دار؛ گونه‌ای از سنگ مزارهای گورستان اسلامی شهسوار ایذه. *نگارینه هنر اسلامی*، ۱۰(۲۶)، ۱۷۶- ۱۸۵. doi: 10.22077/nia.2023.6548.1765